حادثه‌ها

ربودن زن جوان در پوشش مسافربر

• دو پسر جوان که در پوشش مسافربر زن جوانی را ربوده و از او سرقت کرده بودند؛ سرانجام به جرمشان اعتراف کردند. سوم بهمن سال‌گذشته، زن جوانی هراسان در مراجعه به کلانتری قلعه‌نو گفت: در شرق تهران منتظر تاکسی بودم تا به محل کارم بروم، دقایقی بعد یک پراید سفیدرنگ که دو مرد جوان سرنشین آن بودند، جلوی من توقف کرد و چون به هیچ چیز مشکوک نشدم، سوار خودرو شدم. هنوز دقایقی از حرکت خودرو نگذشته بود که سرنشین عقب خودرو با چاقو من را تهدید به سکوت کرد. آنها مرا به بیابان‌های اطراف ورامین بردند و پس از سرقت گوشی تلفن همراه و دومیلیون تومان پول نقد، فرار کرده و در بیابان رهایم کردند». با توجه به حساسیت موضوع، پرونده از دادسرای شهر ری به دادسرای امور جنایی فرستاده شد. در ادامه تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به‌دستور بازپرس پرونده تحقیقات خود را برای دستگیری آدم‌ربایان پرایدسوار آغاز کردند. پس از گذشت نزدیک به ۴۰ روز سرانجام خریدار تلفن همراه مسروقه، شناسایی و به دادسرا اظهار شد. پسر جوان پس از حضور در شعبه نهم دادسرای امور جنایی درباره نحوه خرید تلفن همراه سکوت کرد. تا اینکه ۲۷ اردیبهشت مدعی شد گوشی را از داخل خودروی دوستش به نام حمید برداشته و هیچ نقشی در سرقت نداشته است. با اعترافات متهم به نام میلاد، بلافاصله دوست او به نام حمید به دادسرا اظهار شد و در بازجویی‌ها با قبول اتهام ربودن زن جوان از شرق تهران، گفت: چند وقتی بود بی‌کار بودم و مسافرکشی با پراید نیز خرج روزانه‌ام را تأمین نمی‌کرد. بعد از چند روز میلاد پیشنهاد داد در قالب مسافربر، زنان جوان را سوار کرده و از آنها اخاذی کنیم. من نیز قبول کردم و زن جوان را از شرق تهران ربودیم. با اعترافات حمید، تحقیقات از همدست او آغاز شد که این‌بار پسر جوان، با قبول اتهام ربودن زن جوان گفت: چند میلیون به دوستانم بدهکار بودم و به‌همین‌دلیل به حمید پیشنهاد دادم باهم به سرقت برویم. من فقط می‌خواستم بدهی‌ام را پرداخت کنم و فکر نمی‌کردم این کار آدم‌ربایی باشد. با اعترافات دو متهم پرونده آنها با دستور سهرابی، بازپرس شعبه نهم امور جنایی، به اتهام آدم‌ربایی و سرقت مقرون به آزار، بازداشت و برای شناسایی سایر جرائم‌شان در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

تولیدی زغال، زغال شد

• آتش‌سوزی در سوله تولید و نگهداری زغال با تلاش آتش‌نشانان مهار و خاموش شد. با تماس آتش‌نشانان شهر پاکدشت با سامانه ۱۲۵ و درخواست کمک از آتش‌نشانی تهران، نیروهای عملیاتی دو ایستگاه به همراه یک دستگاه تانکر آب خود را به جاده خاوران، جاده دوم فرون‌آباد، رساندند. حمید محسنی، افسر آماده منطقه هشت عملیات، درباره این حادثه گفت: با توجه به قرارداشتن محل حادثه در محدوده آتش‌نشانی شهر پاکدشت، دقایقی پس از رسیدن نیروهای عملیاتی آتش‌نشانی تهران، آتش‌نشانان پاکدشت به محل حادثه رسیدند. وی اضافه کرد: دو سوله با کاربری محل تولید و نگهداری انواع زغال چوب که مساحت هر کدام به ۵۰۰ مترمربع می‌رسید، آتش گرفته و دود بسیار زیادی محوطه و اطراف محل حادثه را فراگرفته بود. این افسر آتش‌نشانی با اعلام اینکه در مجاورت کارخانه، یک انبار بزرگ دستمال کاغذی قرار داشت که آتش‌سوزی به قسمتی از این انبار نیز سرایت کرده بود، ادامه داد: آتش‌نشانان با تلاش فراوان و با به‌کارگیری دستگاه‌های تنفسی، تجهیزات فردی و لوله‌های آبدهی از چندین سمت آتش‌سوزی را مهار و کاملا خاموش کردند. محسنی خاطرنشان کرد: این حادثه خسارت مالی فراوانی را برجای گذاشت و آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی و تحویل محل حادثه به آتش‌نشانان پاکدشت، به مأموریت خود پایان دادند.

دستگیری سارق مغازه‌ها

• کارآگاهان پلیس استان گیلان یک سارق مغازه را با ۲۲ فقره سرقت در شهرستان رشت دستگیر کردند. سرهنگ «فرهاد فلاح‌کریمی»، رئیس پلیس آگاهی استان گیلان، گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی در پی وقوع چندین فقره سرقت از مغازه‌های سطح شهرستان رشت، رسیدگی به این موضوع را در دستورکار خود قرار دادند. وی افزود: کارآگاهان در بررسی پرونده‌ها موفق به کشف سرنخی از یک خودرو که در تمامی صحنه‌های سرقت حضور داشت، شدند و با مراجعه به صاحب خودرو، فهمیدند وی مدت‌ها پیش خودروی خود را به فردی ۳۰ساله فروخته است. فلاح کریمی با بیان اینکه متهم پس از خرید این خودرو اقدام به تعویض پلاک نکرده بود، بیان کرد: متهم در منزل مسکونی‌اش دستگیر و خودروی مدنظر توقیف شد. این مقام انتظامی بیان کرد: متهم دستگیرشده به ۲۲ فقره سرقت از مغازه‌های شهر رشت اعتراف و صحت اظهاراتش را با تشریح صحنه محل‌های سرقت، اعلام کرد. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه سه مال‌خر درباره پرونده این سارق شناسایی و دستگیر شده‌اند، اظهار کرد: تعدادی از لوازم خریداری شده از مال‌خران کشف شد.

زن متهم به شوهرکشی در دادگاه:

من بی‌گناهم، پسرم قاتل است

شرق: زنی که متهم است شوهرش را با کمک دختر و پسر جوانش به قتل رسانده و جسدش را در بیابان رها کرده است، اعترافات قبلی خود را پس گرفت و مدعی شد پسر نوجوانش عامل این قتل است. به گزارش خبرنگار ما، شهریور سال ۹۲ وقتی جسد مردی در ورامین پیدا شد، پلیس فهمید جسد متعلق به فردی به نام یوسف است که به نظر می‌رسد یک روز بیشتر از مرگ او نگذشته است. پلیس خانواده یوسف را شناسایی و بازجویی کرد. گیتی همسر یوسف ابتدا منکر قتل شد اما بعد از چند روز وقتی دچار تناقض‌گویی شد، راهی به‌جز اعتراف ندید و گفت: یک‌سالی بود که رفتار شوهرم مرموز شده بود تا اینکه دخترم سوسن که دانشجو بود پیامک‌های پدرش را زیر نظر گرفت و همگی به او مشکوک شدیم. ابتدا باور نمی‌کردم یوسف با زن دیگری رابطه پنهانی داشته باشد تا اینکه مخفیانه گوشی‌اش را نگاه کردم و پیامک‌های عاشقانه را دیدم. وقتی به شوهرم گفتم چرا با زن دیگری رابطه پنهانی داری، مرا به باد کتک گرفت تا اینکه با پسرم آرش و دخترم سوسن تصمیم‌گرفتیم او را بکشیم.

زن جوان در پاسخ به این سؤال که چرا از شوهرش جدا نشد، گفت: چند بار به همسرم پیشنهاد طلاق دادم اما حاضر نبود از هم جدا شویم تا اینکه با کمک پسر و دخترم نقشه کشیدیم وی را به قتل برسانیم. صبح روز جنایت وقتی یوسف از خواب بیدار شد، پسرم مرا بیدار کرد و گفت این بهترین فرصت است. زمانی که یوسف مشغول به کار بود، پسرم از پشت سر به وی حمله کرد، سپس من نیز به کمکش رفتم و با چاقویی که در دست داشتم، دو یا سه ضربه به وی زدم و بعد چاقو را به آرش دادم. پسرم نیز چند ضربه زد. دخترم نیز به کمک‌مان آمد و برای کشتن پدرش گلویش را فشار داد. وقتی مطمئن شدیم او را کشته‌ایم، جسدش را لای پتو در صندلی عقب خودرویش گذاشتیم و به بیابان‌های اطراف ورامین بردیم و در آنجا رها کردیم. با اعترافات این زن، دختر و پسرش نیز بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. آرش در بازجویی‌ها به قتل پدر با همدستی مادرش اعتراف کرد و گفت: خواهرم فقط برای انتقال جسد پدرم به ما کمک کرد و در زمان قتل وحشت‌زده نظاره‌گر جنایت بود.

زمانی که پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری رفت، آرش اعترافات ابتدایی خود را پس گرفت و گفت: در زمان جنایت ضربات چاقو را خودم به‌تنهایی به پدرم زدم، آن زمان برای اینکه به قصاص محکوم نشوم، از مادرم خواستم که وی نیز قتل را به گردن بگیرد تا جرم من سبک‌تر شود. این ادعا از سوی مادر و خواهر او نیز تأیید شد اما هیأت قضات آن را قبول نکردند و زن جوان را به قصاص و دخترش را به سه سال حبس و پسرش را به پنج سال زندان محکوم کردند. این رأی مورد اعتراض قرار گرفت و دیوان‌عالی کشور اعتراض را وارد دانست و خواستار تحقیقات بیشتر از متهمان شد. زمانی که پرونده دوباره به دادگاه کیفری استان تهران برگشت، با توجه به اینکه آرش در زمان قتل ۱۶ساله بود، پرونده برای رسیدگی مجدد به شعبه چهارم که ویژه جرائم اطفال است فرستاده شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی به این پرونده با توجه به اینکه مقتول ولی دمی نداشت و فرزندانش متهمان این پرونده بودند، دادستان درخواست قصاص را به نمایندگی از رئیس قوه قضائیه مطرح کرد. سپس نوبت به متهمان رسید؛ ابتدا آرش در جایگاه حاضر شد؛ او یک بار دیگر عنوان کرد قاتل خودش است و مادر و خواهرش در قتل نقشی نداشتند. او گفت: وقتی فهمیدم پدرم به مادرم خیانت می‌کند، خیلی ناراحت شدم؛ او نه‌تنها به مادرم خیانت می‌کرد بلکه او را کتک هم می‌زد. حتی درباره زنی که عاشقش شده بود صحبت کرد و به من گفت می‌خواهد با آن زن ازدواج کند. من خیلی ناراحت بودم و نمی‌دانستم باید چه کنم. روز حادثه با پدرم سر این موضوع درگیر شدم و پدرم به سمت من آمد و من هم یک ضربه چاقو به او زدم، بعد مادرم جلو آمد که از او خواستم دخالت نکند. وقتی پدرم را کشتم، خیلی عصبی و ناراحت بودم؛ به مادرم گفتم باید جنازه‌اش را از خانه بیرون ببرم اما توضیح ندادم چطور این کار را می‌خواهم بکنم. متهم درباره اینکه مادر و خواهرش در قتل چه نقشی داشتند، گفت: آنها هیچ نقشی نداشتند؛ من به‌دروغ ادعا کردم آنها هم در قتل هستند، برای اینکه بتوانم مجازات خودم را کم کنم. سپس گیتی در جایگاه حاضر شد؛ او گفت: من خواب بودم که با صدای فریاد همسرم بیدار شدم، به پسرم التماس کردم که پدرش را رها کند اما بی‌فایده بود. آرش پدرش را کشت. من بی‌گناه هستم. در مراحل بازپرسی هم فقط به خاطر اینکه پسرم به قصاص محکوم نشود، به‌دروغ گفتم که من نقشه قتل همسرم را کشیدم و با چاقو وی را کشتم. آرش از عصبانیت من را هم زخمی‌کرد، بعد گفت بیا تو را به بیمارستان برسانم، وقتی به سمت بیابان رفت، متوجه شدم جسد پدرش را در ماشین گذاشته است. سپس سوسن - خواهر آرش- در جایگاه قرار گرفت و گفت: مدت‌ها بود که رفتار پدرم تغییر کرده بود و مرتب مادرم را کتک می‌زد. من و آرش نیز از این موضوع خیلی ناراحت بودیم تا اینکه مدتی پیش متوجه شدم پدرم از طریق پیامک با یک زن در ارتباط است، موضوع را به مادرم گفتم. صبح روز حادثه خواب بودم، با صدای فریاد پدرم بیدار شدم و دیدم برادرم با چاقو به جانش افتاده است. من نقشی در قتل نداشتم و فقط برای اینکه مادر و برادرم را از دست ندهم، اعتراف دروغ کردم. با پایان جلسه رسیدگی، هیأت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

عشق دوران نوجوانی، بهانه‌ای برای کلاهبرداری بزرگ

زنی که برای رسیدن به عشق دوران نوجوانی از شوهرش جدا شده بود، بعد از فرار مرد موردعلاقه‌اش فهمید فریب خورده و طعمه نقشه کلاهبرداری کلان شده است.

این زن ۳۴ساله که در پی شکایت چند مال‌باخته توسط مأموران پلیس مشهد دستگیر شده است، وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: در یک خانواده متوسط بزرگ شدم. اگرچه پدر و مادرم اختلافاتی جزئی در زندگی داشتند، اما شرایط خانوادگی برای تحصیل ما فراهم بود. وقتی دختری نوجوان بودم مانند خیلی از دختران دیگر و در اوج هیجانات نوجوانی، عاشق پسر همسایه شدم. احساس می‌کردم همه خوبی‌های دنیا در وجود جلال خلاصه شده است اما مدتی بعد از آنکه خانه بزرگ‌تری خریدیم و از آن محله رفتیم، دیگر جلال را نمی‌دیدم و کم‌کم او را فراموش کردم. در دانشگاه قبول شدم و در رشته روان‌شناسی درس خواندم. پس از اتمام تحصیلات، با جوانی به نام «مهرداد» ازدواج کردم. این زن ادامه داد: وقتی ازدواج کردم، زندگی عادی‌ای داشتم؛ شوهرم مرد بدی نبود فقط به عواطف و احساساتم توجه چندانی نشان نمی‌داد. این موضوع عذابم می‌داد. در این مدت گاهی یاد جلال می‌افتادم. من پس از چند سال با وجود دو فرزند، یک روز به طور اتفاقی با جلال روبه‌رو شدم. او در این مدت ازدواج کرده اما همسرش را طلاق داده بود. جلال برخورد صمیمانه‌ای با من داشت. ارتباط من و آن مرد از طریق فضای مجازی در گوشی همراه بسیار عمیق شد. با لورفتن موضوع رابطه من و جلال، کارها خراب شد. شوهرم که نمی‌توانست این موضوع را تحمل کند، مرا طلاق داد و من هم با رهاکردن فرزندانم امیدوار بودم با جلال ازدواج کنم. ارتباطم با جلال بعد از طلاق بیشتر شده بود و مرتب همدیگر را می‌دیدیم تا اینکه او مرا با وعده عقد رسمی در اولین فرصت به عقد موقت خود درآورد. پس از آن جلال طبق نقشه‌ای که داشت و من از آن بی‌خبر بودم، همه چک‌ها و کارهای حقوقی‌اش را به نام من انتقال داد و وانمود کرد شاید همسر سابقش بیاید و درباره اموالش ادعایی کند و به‌عنوان مثال مهریه یا نفقه بخواهد. من که حرف‌های مرد موردعلاقه‌ام را باور کرده بودم در برابر کارهای او مخالفتی نکردم اما جلال پس از اینکه چک‌های بلامحل مرا در بازار خرج کرد، متواری شد. چندهفته‌ای از او بی‌خبر بودم تا اینکه فهمیدم باردار هستم و بعد هم طلبکاران سراغم آمدند و فهمیدم صد میلیون تومان بدهکار هستم. من چنین پولی نداشتم به همین دلیل طلبکاران از من شکایت کردند و حکم جلب مرا گرفتند درحالی‌که تمام پول‌ها دست جلال است و من اصلا از این ماجرا اطلاعی نداشتم؛ فقط فریب این مرد را خوردم. او باعث شد از شوهرم که مرد خوبی بود طلاق بگیرم و از فرزندانم جدا شوم. حالا هم نمی‌دانم چه باید بکنم». با اعلام شکایت زن جوان تحقیقات پلیس مشهد برای دستگیری مرد شیاد آغاز شد و بررسی‌ها در این خصوص همچنان ادامه دارد تا مشخص شود جلال کجا پنهان شده است.

پلیس در تعقیب سارقان ۲۰میلیون‌تومانی

سرایدار یکی از برج‌های پایتخت با همدستی دوستش زنی را در حمام خانه‌اش زندانی کرد و دست به سرقت میلیونی زد. چندی‌پیش زنی در تماس با پلیس از سرقت میلیونی و اسارتش در حمام خانه از سوی دزدان آشنا خبر داد و تیمی از مأموران کلانتری به خانه این پزشک رفتند و تحقیقات را آغاز کردند. زن جوان که تنها در برج‌های شمال تهران زندگی می‌کند، هراسان در برابر مأموران قرار گرفت و گفت: صبح امروز - روز حادثه- یک چک ۲۰میلیون‌تومانی به سرایدار دادم تا با رفتن به بانک آن را برایم نقد کند که وی پس از یک ساعت با ۲۰ میلیون تومان پول نقد به ساختمان بازگشت و آنها را در اختیار من قرار داد. وی افزود: در گذشته نیز از سرایدارمان برای نقدکردن چک‌هایم کمک خواسته بودم اما مبلغ‌های آن کم بود و در این مدت نیز به مرد سرایدار اطمینان داشتم. شاکی ادامه داد: پس از چند ساعت مرد سرایدار زنگ خانه‌ام را به صدا در آورد و ادعا کرد برای بردن زباله‌ها آمده است. در خانه را به رویش باز کردم که ناگهان مرد غریبه‌ای که همراه سرایدار ساختمان بود، مرا به عقب هل داد و سپس آنها اقدام به بستن دست، پا و دهانم کردند. ترسیده بودم آنها مرا داخل حمام زندانی کردند. من پس از یک ساعت توانستم دست و پاهایم را باز کنم و وقتی خانه را بررسی کردم، متوجه شدم مرد سرایدار و همدستش فقط ۲۰ میلیون تومان پول نقد را دزدیده‌اند. این زن جوان گفت: زمانی که در حمام خانه زندانی شده بودم، مرد سرایدار از همدستش می‌خواست که پول‌ها را بگذارند و بروند اما مرد غریبه می‌گفت با این پول‌ها زندگی‌شان تغییر می‌کند و می‌توانند مدتی زندگی آرام داشته باشند که مرد سرایدار نیز با صدایی آرام عنوان می‌کرد کاش درباره پول‌ها حرفی نزده بودم. بازپرس آرش سیفی، از شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران در این مرحله دستور داد تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عاملان این سرقت میلیونی وارد عمل شوند. به گزارش رکنا مأموران پلیس آگاهی با دردست‌داشتن سرنخ‌هایی از دزدان میلیونی برای دستگیری مرد سرایدار و همدستش، دست به کار شده‌اند.

پنج قاره

مرگ دختر هندی بعد از تعرض

دختر ۱۴ساله هندی پس از آنکه برای دومین‌بار مورد تجاوز قرار گرفت، جان خود را از دست داد. والدین این دختر ۱۴ساله اظهار کردند او دسامبر سال گذشته از سوی مردی مورد تجاوز قرار گرفت و متهم که به قید ضمانت آزاد بود، برای دومین‌بار در ماه می سال جاری (۲۰۱۶) او را ربود و مورد تجاوز و ضرب‌وجرح قرار داد. والدین این دختر همچنین بیان کردند: دخترمان ۱۲ روز ناپدید بود و زمانی که به خانه بازگشت دچار جراحت‌های شدید شده بود. متهم او را تهدید کرده بود که خانواده‌اش را به قتل می‌رساند. آنها تأکید کردند دخترشان ضرب‌وجرح‌شده و چندین‌بار مورد تعرض قرار گرفته بود. متهم که زمان دادگاهش درباره پرونده سال گذشته نزدیک بود برای اینکه مانع از اظهارات این دختر نوجوان در دادگاه شود، او را وادار کرد اسید بخورد. پلیس هند با بیان اینکه این دختر به دلیل شدت جراحت در بیمارستان جان خود را از دست داد، اعلام کرد: فرد متهم به اتهام قتل دستگیر شده است. پزشکان بیمارستان اعلام کردند دختر نوجوان به دلیل آسیب شدید اعضای داخلی بدن جان باخت. موارد مشابه این جنایت در سال‌های اخیر بارها در این کشور تکرار شده است. مدتی پیش یک دختر دیگر از سوی چندین مرد که سال گذشته به وی تجاوز کرده بودند، برای بار دوم مورد تعرض گروهی قرار گرفت. این مردان نیز به قید وثیقه آزاد شده بودند و این حادثه موجب خشم و اعتراض ساکنان روستای محل زندگی قربانی شد.

سیل در نپال ۲۸ کشته برجا گذاشت

وزارت کشور نپال اعلام کرد بر اثر بارش شدید باران‌های موسمی، جاری‌شدن سیل و رانش زمین، ۲۸ نفر در ۱۰ منطقه این کشور جان باختند. براساس اطلاعیه وزارت کشور نپال، این حادثه باعث مصدوم‌شدن تعدادی و ناپدیدشدن ۲۴ نفر شده است. به گفته مقامات امدادی، تلاش برای نجات افرادی که بر اثر رانش زمین در زیر آوار مدفون شده‌اند، ادامه دارد. مقامات محلی اعلام کردند احتمال افزایش تعداد جان‌باختگان با توجه به ادامه بارندگی شدید وجود دارد. بارش شدید باران در سال گذشته در این منطقه نیز ۵۴ کشته برجا گذاشته بود.

ادامه از صفحه ۵

در بسته دولت روحانی به‌روی دلالال احمدی‌نژاد

به‌هرحال درحال‌حاضر هم این مجوزها به برخی از همان دلالان فروخته شده است...

ممکن است این مجوزها به آن افراد فروخته شده باشد اما آن دلال، دیگر آن رانت را به‌صورت رایگان ندارد. رانتی که در دولت‌های نهم و دهم رایگان در اختیار چند نفر بود، حالا حتی در صورت دستیابی دوباره به مجوزها از سوی دلالان، دیگر مجانی نیست.

واردکنندگان شکر در دولت قبل چند نفر بودند؟

افراد سرشناسی که انحصار واردات شکر را در دست داشتند، حدود چهار، پنج نفر بودند. وقتی ثبت سفارش باز می‌شد، رقابت بالایی درمی‌گرفت که چه کسی سریع‌تر، ثبت سفارش کند. هم‌زمان با بازشدن، ثبت سفارش بسته می‌شد. برای همین فقط دو، سه نفر از این غربال‌ها رد می‌شدند. این دلالان یک‌سری افراد را در گمرک می‌خریدند و ایادی داشتند تا به آنها اطلاع دهند تا در زمان موعود، وارد میدان شوند؛ اما اکنون این روند اصلاح شده است.

به‌هرحال اکنون هم بازار شکر متأثر از عملکرد بخش خصوصی است. چرا نباید ذخایر استراتژیک ما به اندازه‌ای باشد که برخی از این شیطنت‌ها از سوی دلالان، بازار را به‌هم نریزد؟

ذخایر استراتژیک ما به اندازه‌ای هست که جلو مشکلات را بگیریم.

این ذخایر چقدر است؟

ارقام آن محرمانه است، اما به میزانی هست که جلو نوسانات بازار را بگیرد. ما روزانه هفت تا هشت‌هزار تن شکر عرضه می‌کنیم که حدود پنج هزار تن آن به فروش می‌رسد. درواقع حتی ما بیش از نیاز بازار، شکر توزیع می‌کنیم. مجموع میزان موجودی فعلی شرکت بازرگانی دولتی و بخش خصوصی ۲۳۰هزارتن است که رقم قابل‌توجهی است. در این شرایط اگر کسی به‌دنبال احتکار باشد، با ورود حدود ۴۵۰هزار تن شکر به کشور تا ماه آینده قطعا دچار هزینه و ضرر هنگفتی می‌شود.

بااین‌اوصاف تا ماه آینده که عرضه شکر تا این اندازه بالا می‌رود، باید در انتظار کاهش قیمت باشیم؟

از آنجاکه قرار است هزینه‌هایی که به خاطر بازار جهانی بر کشور تحمیل شده را در قیمت‌گذاری در نظر بگیریم، فکر می‌کنم قیمت روی دوهزارو ۵۰۰ تا دوهزارو ۶۰۰ تومان به تعادل برسد و شاهد کاهش قیمت باشیم.